

در جریان سوره مبارکه محمد و آخرین آیه این سوره بحث مهمی مطرح می‌شود، بحث سنت استبدال و استخلاف. تقریباً در یک مایه است. سنت‌هایی است که می‌خواهد نشان بدهد آقا خدا یک برنامه‌ای دارد که این را توسط انبیا و این‌ها جلو می‌برد و توسط قوم‌هایی دارد این را جلو می‌برد. مثل یک چوب امدادی است که دست یک قومی می‌دهد. این چوب امدادی را وقتی دست یک قوم داد، این قوم وظیفه دارد در آن جهت این چوب امدادی را ببرد. تا یک مدتی با او راه می‌آید که مثلاً با این چوب عادت کند و همه این‌ها، و با بردن این چوب و این انقلاب‌ها را تا یک جاهایی که سر منزل مقصود است ببرد جلو با شما دارد راه می‌آید. لذا عفو و گذشت بسیار زیاد انجام می‌شود. مثلاً شما سوره مبارکه بقره را همان اولش ببینید هی می‌گوید اینجوری کردید «ثم عفونا عن ذلک» ما بخشیدیم حالا ادامه بده، حالا بخشیدیم ادامه بده، مثل این مسابقات هست که می‌گوید حالا مثلاً تا سه تا جون داری مثلاً. حالا ببینیم چه کار می‌کنی. بعد از یک جایی به بعد اگر ببیند این چوب را نمی‌برد، اصلاً دارد چوب را می‌برد یک جای دیگر. مثلاً می‌برد چوب را بسوزاند. مثلاً می‌خواهد زغال کند مثلاً زیر کباب بگذارد. دارد این کار را می‌کند این چوب را از او می‌گیرد می‌دهد به یک گروه دیگری که آن چوب را ببرند جلو باز دوباره.

قهرآمیز بودن سنت استبدال

منتهی این گرفتن و دادن که به نام استبدال از آن یاد می‌شود خیلی قهرآمیز هم هست. یعنی اینجوری نیست که چوب را بده من، چوب را بگیرد بدهد به یک گروه دیگر. این چوب را می‌گیرد می‌کوبد در سر آن‌ها، خاک بر سرت کنند. این چوب را بده به من، این چوب را بگیر. اینجوری است برای همین هم هست که...

- بله حالا عرض می‌کنم یکسری آیاتی که دارد این سنت را خیلی شفاف توضیح می‌دهد. سنت استبدال. کسانی که پرهیز می‌کنند از جنگ. عزیزانی بودند پرسیدند که آقا ما نمی‌توانیم، دکمه غلط کردم ندارد؟ مثلاً کنترل Z ندارد؟ خب ندارد. می‌بینید یک موقع هست یک امتی یک قومی خودش را زیر بار مسابقه‌ای داده، ثبت نام در مسابقه‌ای کرده، مسابقه هم شروع شده برای او. این دیگر دکمه غلط کردم ندارد. ضمن این که بر نمی‌گردد به حالت قبلی. قرآن این را فراوان می‌گوید که این...
- در مورد گوساله پرستی هم خیلی سفت برخورد می‌کند. کی می‌گوید سفت برخورد نمی‌کند؟ نگاه کنید در همانجا هست «سینالهم غضب من ربهم و ذلة فی الحیاة الدنیا» یعنی این‌ها موجب ذلت در حیات دنیا می‌شود.

نکته‌اش همین است که چوب را که می‌خواهند بگیرند طرف را دچار ذلت در حیات دنیا می‌کنند. «فباؤوا بغضب علی غضب» می‌کنند. یعنی اینجوری نیست که بگوید خب باشد حالا ما برمی‌گردیم به زمان شاه، می‌رویم در مسیر کره جنوبی، می‌خواهیم برویم کره جنوبی بشویم. اصلاً اینجوری نیست. این چوب را می‌گیرند می‌دهند به یک قوم دیگری، مثلاً می‌دهند فرض بفرمایید به لبنانی‌ها، می‌دهند به یمنی‌ها. می‌دهند به آن‌ها و اینجا دیگر یکدیگر را می‌خورند. یعنی نکته‌اش این است. یعنی بحث این نیست که شما می‌توانی برگردی در این

چیزها. این سنت استبدال که یک سنت قهرآمیز هم هست. سنت استخلاف که همراه با یک نوع پاکسازی انجام می‌شود.

تفاوت رسیدن اجل با استبدال

می‌خواستیم عرض بکنیم این یک سنت است، آن که اجل وجود دارد در مورد امت‌ها آن یک بحث دیگر است. ببینید مثل عملیات‌های آبی خاکی. مثال بزخم بعد بیاییم این آیات را با یکدیگر ببینیم سریع. مثل عملیات‌های آبی خاکی، مثلاً اینجوری است که یک عده‌ای می‌دوند چوب را می‌برند، بعد می‌دهند به یک عده‌ای که دارند شنا می‌کنند مثلاً. این‌ها در یک مسیر دارند حرکت می‌کنند. می‌توانند در یک مسیر... با این که مأموریت این کسانی که عملیات خاکی انجام می‌دادند ممکن است مأموریتشان تمام شده باشد. اتمام مأموریت و تحویل کسی دیگر دادن این یک بحث است، استبدال یک بحث دیگر است. استبدال این است که کلاً تیم را جمع می‌کنند. می‌گویند شما اصلاً تیم چوب را جلو ببر نیستید اصلاً. چوب را بده، می‌کوبند در سر طرف، چوب را می‌گیرند می‌دهند اصلاً به یک تیم دیگری کلاً بازی را ادامه بدهد. این نکته اگر به جهت مفهومی و از بیرون راه افتاد آن موقع من آیات متعددی حالا هست. من یک گزیده‌ای از این آیات را برایتان می‌خوانم تا ببینید که این سنت سنت مهمی است.

عاقبت انجام ندادن مأموریت

این که الآن چوب دست ماست این یک توفیقی است برای ما. ما داشتیم در آن مسیری که «هو الذی أرسل رسوله بالهدی لیظهره علی الدین کله» ما داشتیم این چوب را در آن مسیر می‌بردیم. این نیست که بعضی‌ها فکر کنند که حالا ما می‌شود برگردیم؟ آره می‌شود برگردیم، کاری ندارد که. فقط «سینالهم غضب من ربهم و ذلة فی الحیاة الدنیا». یعنی اینجوری می‌شود و بعد می‌رویم یکدیگر را می‌خوریم آن موقع و می‌کوبند در سر ما، دیگر نه آرامشی نه چیزی نه نه نه نه، این می‌شود و بعد می‌دهند یکی دیگر می‌برد خب. و توفیقی که این چوب را ما ببریم جلو و مسأله موعود را محقق بکنیم، زمینه ساز این قضیه باشیم خب این توفیق گرفته می‌شود از ما. تا مادامی که دست ما بوده خب مثل یک معاونی که در پست معاونت بوده. خب این کسی که در پست معاونت بوده کلی امکانات در اختیارش گذاشته‌اند، پول در اختیارش می‌گذارند، همه این‌ها را در اختیارش می‌گذارند، و خب یک اتفاق خیلی مهمی را جلو می‌برد. نکند، از معاونت ساقطش می‌کنند و خب دیگر چیزی در اختیارش نیست. اینجوری نیست که دیگر پول و امکانات و فلان و این‌ها در اختیارش است فقط معاون نیست. نه، هیچ چیز دستش نیست دیگر این. این که دارد «سینالهم غضب من ربهم» یا «فباؤوا بغضب علی غضب» فلان و این‌ها مال همین است. نکته قصه همین است.

ملاک کار امت به نتیجه رسیدن مأموریت

- نه، همان چیزی که کارنامه امت است. همانی که «تری کل امة جائیة کل امة تدعی الی کتابها» همان کلیت این ملت. حالا یک موقع هست حزب اللهی‌ها تعدادشان هستند، منتهی یا عملکردشان پایین است یا تعدادشان کم است، شبیه آن «قال رجالان من الذین یخافون أنعم الله علیهم ادخلوا علیهم الباب». مگر موسی نگفت بلند شوید بروید حمله کنید، نکردند، دو نفر پیدا شدند حرف را زدند ولی خب باز هم نکردند. یعنی اینجوری نبود که مثلاً حالا دو نفر از ربیون وقتی که وارد صحنه می‌شوند همه صحنه را عوض می‌کنند. نه، اینجوری نیست. قشنگ در این آیه نشان می‌دهد که هیچ آرایش

صحنه عوض نشد. هیچ! این‌ها باز دوباره عین همان مطلب را تقریباً گفتند. ببینید این یا عملکردشان خوب نیست یا تعدادشان اندازه نیست، نهایتاً اتفاقی که می‌افتد آن چوب در آن مسیر نمی‌رود جلو. ولو آن که یک امام بر حق الهی هم آن وسط باشد.

شما ببینید این که بعد از سقیفه آن اتفاقات افتاد مگر نبودند مومنین پای کار؟ چرا بودند، کم بودند. بعدش وقتی تبدیل می‌شود یک‌هویی در نیم قرن، نیم قرن آن موقع نه نیم قرن الان. نیم قرن زمان شاه. تبدیل می‌شود به این که سر امام حسین را می‌کنند بالای نیزه. بعد کلاً دارد در یک مسیر دیگری می‌روند اصلاً بشریت. یعنی آن قومی که کار دستش است دارد یک مسیر دیگری را می‌رود. باز شروع می‌کنند ائمه با یاران خاصشان برای این امت برنامه ریزی کردن البته.

نمونه‌هایی از سنت استبدال و استخلاف در قرآن

بگذارید یک خورده آیه بخوانیم. صفحه ۱۹۳ سوره مبارکه توبه آیه ۳۸ «یا ایها الذین آمنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اناقلتم إلى الأرض» شما چرا اینجوری شده‌اید که وقتی می‌گویند «انفروا فی سبیل الله» حکم جهاد داریم، چرا چسبیده‌ای به زمین؟ «أرضیتم بالحیة الدنیا من الآخرة» آیا دنیا می‌خواهی دیگر؟ چی شده؟ چرب و شیرین دنیا می‌خواهی؟ «فما متاع الحیة الدنیا فی الآخرة إلا قلیل». «إلا تنفروا» این رسم الخط خاص قرآن است‌ها وگرنه این «إن لا تنفروا» است. فقط قرآن اینجوری است. «إن لا تنفروا» یعنی اگر نفر نکنی و کوچ نکنی و جهاد نکنی، «یعدبکم عذاباً ألیماً» ببینید عذاب الیم، نه در آخرت «عذاباً ألیماً»‌ها، این همان است که گفتیم چوب را می‌گیرند می‌زنند در سرت می‌گویند خاک بر سرت کنند. «عذاباً ألیماً و یستبدل قوماً غیرکم» می‌دهند به یک قوم دیگر. استبدال می‌کنند به یک قوم دیگری. «و لا تضروه شیئاً و الله علی کل شیء قذیر». «إلا تنصروه» یعنی باز «إن لا تنصروه» اگر نصرت نکنید خب یک عده دیگر نصرت می‌کنند. یعنی می‌دهیم یک عده دیگر نصرت کنند.

دیگری همان آیه سوره مائده آیه معروف در صفحه ۱۱۷ است که ان شاء الله قرار است در مورد ما محقق بشود. البته ما پسرخاله خدا نیستیم ولی طبق پیش بینی‌ها اینجوری به نظر می‌آید که پسرخاله خداییم! دارد که «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه» که این ارتداد از دین، اصلاً بحث ارتداد اصلاً در بحث سنت استخلاف و استبدال طرح شده. نه ارتداد به آن معنایی که... ارتداد امم بحث شده نه ارتدادی که یک نفر مثلاً مرتد ملی، فطری، فلان و این‌هایی که در فقه هست از آن یاد می‌کنند. این نیست. که «فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه». یک قوم دیگری می‌آید آن می‌برد کار را جلو. حالا تو کار را نبری جلو کلاً برنامه خدا را نمی‌توانی به هم بزنی که. او کار خدا را جلو می‌برد. و توفیق دارد که کار خدا را ببرد جلو. این‌ها ویژگی‌هایی دارند، «یحبهم و یحبونه أدلة علی المؤمنین أعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء» یک فضلی است که به این‌ها داده‌اند، یک امکانی است به این‌ها داده‌اند، نه این که یک مأموریت مثلاً آه خلاصه یک مأموریتی گیر ما افتاده باید ببینیم چه کار بکنیم حالا. بابا این یک فضل است «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم» این یک فضل است و بعد خدا در این زمینه‌ها صاحب فضل هم هست. یعنی امکانات در اختیار قوم برگزیده و امکانات در اختیار آن قومی که مأموریت را می‌خواهد ببرد جلو. و حتی این نکته‌ای که حالا اوائل سوره مبارکه محمد هم این را عرض کردیم، که اینجوری است که مثلاً می‌گوید «کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم» ما این کارهای چیزشان را ما می‌پوشانیم، ما جبران می‌کنیم. آن جا ما عفو می‌کنیم. عفو امم می‌کنیم مال همین‌هاست. این کسانی که مأموریت سنگین

به عهده‌شان می‌گیرند و کوله‌های سنگین می‌گذارند که در کوه‌های صعب‌العبور بروند، این‌ها را خدا چه می‌کند؟ این‌ها را خدا یاری می‌دهد، کمک می‌کند، از خطاهایشان چشم‌پوشی می‌کند، این‌ها را در مسیر هدایت می‌کند و هزارتا کار «و أصلح بالهم» اصلاً حال این‌ها را خوش می‌کند. از این که دارند این کارها را می‌کنند خوشحال می‌شوند.

باز بیاورید سوره مبارکه نساء ۱۳۳، انعام ۱۳۳. یعنی هم صفحه ۹۹ را بیاورید هم صفحه ۱۴۵. ببینید آیه ۱۳۱...

- کاری به حال فردی ندارد، حالا کار فردی ممکن است طرف چیز باشد. ولی بله، این نکته که انسانی که در مسیر قرار می‌گیرد سکینه‌ای از طرف «أنزل السکینه فی قلوب المومنین» یک آرامشی در قلبش ایجاد می‌شود. قلبش آرام می‌شود. به صورت کلی این هست که قلب آرام می‌شود.

«و لله ما فی السماوات و ما فی الأرض و لقد وصینا الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و إیاکم أن اتقوا الله» این وصیت ما به «اوتوا الکتاب من قبلکم و إیاکم» این است که «أن اتقوا الله». «و إن تکفروا فإن لله ما فی السماوات و ما فی الأرض» اگر هم کافر بشوید فکر نکن ما را حالا گیر انداخته‌ای که. این خیلی در عبارت‌های قرآن زیاد است که شما به ما ضرر نمی‌زنی که! یک چنین تصویری برای خودت نکن. «و إن تکفروا فإن لله ما فی السماوات و ما فی الأرض و کان الله غنیاً حمیداً و لله ما فی السماوات و ما فی الأرض و کفی بالله وکیلاً إن یشاء یدهبکم» اگر بخواهد خدا شما را می‌برد نابودتان می‌کند. «أیها الناس و یأت بأخرین» یک عده دیگر را می‌آورد. «و کان الله علی ذلک قدیراً» خدا این کار را می‌تواند بکند. «من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة» بابا پای کار من بایست، بهره‌های دنیا و آخرت را به تو می‌دهم. «و کان الله سمیعاً بصیراً»

۱۴۵ را ببینید آیه ۱۳۲ و ۱۳۳ سوره انعام: «و لكل درجات مما عملوا و ما ربک بغافل عما یعملون و ربک الغنی ذو الرحمة» خدا در حقیقت غنی ذو الرحمة است. یعنی اگر رحمت دارد نه این که احتیاج دارد. «غنی ذو الرحمة» است. «إن یشاء یدهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء» اگر بخواهد خب شما را برمی‌دارد می‌برد می‌گذارد کنار، استخلاف می‌کند. «كما أنشأکم من بعد ذریة قوم آخرین» کما این که شما هم جزء پروژۀ استخلاف بودید. یعنی در حقیقت یک عده را برده شما را آورده، شما را هم می‌برد یک عده دیگر را می‌آورد. مهم این است که شما الآن افتاده‌ای در کار خدا داری چوب را می‌بری جلو یا نمی‌بری جلو؟

همراهی استخلاف با پاکسازی

این پروژه‌های استخلاف خدا همراه با پاکسازی است خیلی وقت‌ها. یعنی این نیست که لزوماً یک قومی را برمی‌دارد می‌برد یک قوم دیگری را می‌آورد یا مثلاً مأموریت را از ایران می‌برد یک جای دیگر. نه، گاهی اوقات ممکن است یک پاکسازی‌هایی بکند -حالا این کار جزء تاریخچه‌های خدا هست- به قوم پاکسازی شده یک مأموریتی بدهد. یعنی مأموریت را برگرداند به سمت قوم پاکسازی شده. شما صفحه ۲۰۹ و ۲۱۷ را بیاورید. آیه ۱۳ سوره یونس را ببینید. از آیه ۱۱ و ۱۲ در حقیقت قابل... «و لو یعجل الله الشر استعجالهم بالخیر لفضی إلیهم أجلهم» اگر اینجوری که استعجال به خیر می‌کند استعجال به شر بکند ما اجلش را تمام می‌کنیم. «فندر الذین لا یرجون لقائنا فی طغیانهم یعمهون و إذا مس الإنسان ضرر دعا لجنبه أو قاعداً أو قائماً فلما کشفنا عنه ضرره مرّ» این ببینید «مس الإنسان الضرر» و فلان و این‌ها در این سیاق، انسان به معنای تک

انسان نیست‌ها. گرچه تک انسان هم هست. ولی در سیاق آیات این همان چیزی است که به معنای همان مثل اقوام می‌ماند. بعداً می‌بینید در سیاقش می‌رسد به همین این.

بله، این خلاصه ضرّ می‌رسد «دعانا لجنبه أو قاعداً أو قائماً فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا إلى ضرّ مسّه» وقتی ضرّ می‌رود «کذلک زین للمسرفین ما كانوا يعملون ولقد أهلكنا القرون من قبلکم» ببینید می‌خواهم بگویم این‌ها زمینه‌ای است که در مورد فرد هست در مورد کل اجتماع هم هست. «و لقد أهلكنا القرون من قبلکم لما ظلموا» وقتی که ظلم کردند ما این قرون را اهلک کردیم. «و جائتھم رسلهم بالبينات» با بینات رسل آمدند «و ما كانوا لیؤمنوا» اصلاً ایمان بیاور نبودند این‌ها. «کذلک نجزی القوم المجرمین ثم جعلناکم خلائف فی الأرض من بعدهم لننظر کیف تعملون» آن موقع شما را استخلاف کردیم. یعنی قرار دادیم «خلائف فی الأرض» یعنی گفتیم آقا حالا کار دست شما. ببینیم شما حالا چه کار می‌کنید. چوب دست شما. ببینیم چه کار می‌کنی‌ها. «لننظر کیف تعملون» استخلاف انجام می‌گیرد و این چوب دست شماست. این استخلاف همان است که گاهی اوقات همراه پاکسازی است.

صفحة ۲۱۷ را ببینید سر جریان حضرت نوح آیه ۷۳ دارد «فکذبوه فنجیناه و من معه فی الفلک لجعلناهم خلائف». ما آن‌ها را خلائف قرار دادیم «و أغرقنا الذین کذبوا بآياتنا» این‌ها را خلائف قرار داریم و آن «کذبوا بآياتنا» را غرق کردیم «فانظر کیف کان عاقبة المنذرین» بین عاقبت این کسانی که بیم داده شدند، برایشان پیغمبر آمده چی بوده؟ یعنی بر اساس یک نظام پاکسازی این اتفاق افتاده. باز اگر بخواهیم آیه ببینیم صفحه ۳۵۷ این آیه معروفه سوره مبارکه نور که حالا ان شاء الله مفصلش را در خود سوره مبارکه نور توضیح خواهیم داد، این همان سنت استخلافی است که منجر به... ببینید برنامه ظهور اصلاً در همین سنت استخلاف است. آیه ۵۵ را ببینید.

خصوصیت قوم مستخلف

بعضی‌ها تصورشان این است که این آیه مربوط به ظهور است. نه، مربوط به ظهور هست، نمی‌گویم اصلاً نیست ولی دارد یک امتدادی را نشان می‌دهد تا ظهور، به عنوان یک سنت. آن این است که «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض» ببینید این مطلب مهمی است. بحث این که شما را و آن‌ها را استخلاف ایجاد می‌کند در آن‌ها. یعنی کار انگار دست یک عده بوده گفتند آقا شما نمی‌توانی؟ می‌بریم می‌دهیم به «آمنوا و عملوا الصالحات». «آمنوا و عملوا الصالحات»ی که در این تراز حاکمیت است اصلاً. ببینید تراز این بحث‌ها ترازهای حاکمیت است، تراز امت‌هاست. تراز نفر نیست که خلاصه بگویم «الذین آمنوا» یعنی در این آدم دارد استخلاف می‌دهد. نه، اصلاً طراز بحث در سوره مبارکه نور و بسیاری از این سوره‌ها اساساً از اجتماع آمده به آدم رسیده. این استخلاف می‌کند در زمین «کما استخلف الذین من قبلهم» کما این که با قبلی‌ها هم همین کار را کرده. و تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیت است. یعنی به واسطه ایمان و عمل صالح استخلاف می‌کند. می‌گوید آقا شما ایمان داری به راه؟ عمل صالح مطابق این را هم انجام می‌دهی؟ شما بیا چوب را بگیر. «فلیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» و آن‌ها را ببینید به دین مورد رضایت خودش امکان می‌دهد. این همان امکان‌هایی است که ممکن است دین مورد رضایت باشد ولی امکان پیدا نکند. ولی نه، کسانی که می‌افتند در راه، امکان پیدا می‌کنند در این زمینه. «و لیبدلنهم» تبدیل می‌شوند «من بعد خوفهم أمناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً فمن کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون» که فاسقون در قرآن خودش یک بحثی است ان شاء الله این را ذیل همین آیه ۵۵ در سوره نور بحث می‌کنیم. کسانی که در مقابل

بحث ولایت می‌ایستند کلاً اسمشان فاسق است. فاسق علی الإطلاق به این معنی است گرچه معنی‌اش این نیست به عبارتی این استعمالش است. خلاصه این‌ها می‌شوند جزء فاسقین.

باز هم بخواهیم ببینیم صفحه ۵۷۷ را بیاورید سوره مبارکه معارج آن بالای صفحه را نگاه بکنید آیه ۴۰ باز دوباره همین سنت استخلاف و استبدال است که «فلا اقسم برب المشارق و المغرب» قسم به رب مشارق و... «إنا لقادرون علی أن نبدل خیراً منهم و ما نحن بمسبوقین» ما قادریم «علی أن نبدل خیراً منهم و ما نحن بمسبوقین» ما کسی از ما جلو زده مغلوب کسی هم نیستیم ما قادریم که این کار را بکنیم. که «خیراً منهم» را، بهتر است از این‌ها را برداریم بگذاریم... «فذرهم» پس ولشان کن «یخوضوا و یلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون» پس ولشان کن بگذار یکهو بچزند، بازی کنند، خوض کنند در اباطیل تا این که آن «یومهم الذی یوعدون» آن روز مورد وعده سر برسد. روز مورد وعده طبق همین بیان مربوط به قیامت نیست. روز مورد وعده همان روزگار است. یوم اینجا به معنی ۲۴ ساعت نیست دیگر. به معنای آن شرایطی که آن موقع ببینند که کار دستشان نیست. می‌گوید دیگر روزی می‌رسد ...

ظرفیت تفسیری قرآن در سیاق‌های مختلف

- چرا، ببینید این‌ها مدل تفسیری قرآن است. گاهی اوقات با قبلش وقتی بررسی می‌کنید یک جور است، با بعدش بررسی می‌کنید یک جور دیگر است. یعنی ظرفیت آیه وجود دارد برای این که هم با قبلش تفسیر شود هم با بعدش تفسیر شود. نگاه بکنید ائمه هدی مثلاً سر همین بحث‌های چیز گفته‌اند: - من اتفاقاً این را یک موقع از استاد عابدینی پرسیدم گفتند همینجوری است- «أن اشکر لی و لوالدیک» می‌شود من و امیرالمومنین «وإن جاحداک علی أن تشکر بی ما لیس لک به علم» می‌شود اولی و دومی، «فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفا» می‌شود من و امیرالمومنین. یعنی بسته به آن سیاقی که شما دارید می‌گویید قرآن تاب این را دارد که این گاهی اوقات از سیاق خودش خارج شود، گاهی اوقات با سیاق قبلی، گاهی اوقات با سیاق بعدی. لذا این «فذرهم حتی یخوضوا و یلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الأجدات سراعاً» این هم با بحث قبلی سیاق بندی می‌شود هم با بحث بعدی سیاق بندی می‌شود. حالا به هر جهت مطلبش مشخص است که آقا ما «علی أن نبدل خیراً منهم» ما این کار را می‌توانیم بکنیم.

صفحه ۲۵۸ را بیاورید.

- سنت استبدال برعکسش هم هست؟... خب بله، این هم جزء تبدیل است. اصلاً بعضی وقت‌ها همین را هم بحث می‌کنند. «یبدل الله سیئاتهم حسنات» مدل در حقیقت مثل یک تیمی است که -گفتم پاکسازی اینجوری است- مربی می‌بیند بد بازی می‌کند می‌کشد بیرون، تیم را عوض نمی‌کند. در حقیقت دارد یارها را عوض می‌کند. تعویض‌هایی دارد انجام می‌دهد به لحاظ استبدال که تیم را برگرداند به همان حالت قبلی. لذا مثلاً یکهویی می‌بینید یک کسانی سر کار می‌آیند، یک کسانی کار را دست می‌گیرند، این‌ها از آن آدم‌هایی هستند که چوب جلو ببر هستند. در جامعه..

- بله، هه هه هه، خریدهای نیم فصل! بستگی دارد چه جوری خرید کرده باشند دیگر!

می بینید بقیه کسانی هم که این کاره نیستند در جامعه دارند زندگی می کنند. اما آن تیمی که افتاده جلو دارد کار را می برد جلو، آن ها یک تیم خوبی جمع و جور شده دارد کار را می برد جلو. این هم لزوماً به معنای حاکمیت نیست ها، فکر کنید الآن در بحث ریاست جمهوری و کابینه وزرا منظورم این است. نه، می بینید که یک... الآن اتفاقاً این شرایط مساعدی است که حلقه های میانی بتوانند به یکدیگر گره بخورند. چون که الآن کار افتاده دست بالاخره یک عده ای که کلاً فضایشان این نیست. من نمی خواهم بگویم این ها آدم های بدی هستند. اساساً فضایشان این نیست که بخواهند مأموریت آخر الزمانی جلو ببرند. این ها در شرایطی ما را قرار می دهند که بتوانیم اگر حوصله داشته باشیم روی یک چیزهایی سرمایه گذاری بکنیم. یک استجماع هم می درست بکنیم و و از این کارها. بعد آن موقع می بینید که طبق سنن الاهی یکپوئی می بینید اصلاً حاکمیت ها فرومی ریزد.

فرو ریختن ساختارها

من این را چند بار تا حالا عرض کرده ام، ما به سمتی داریم می رویم که رابطه امامت و امت دارد برقرار می شود. یک عبارت هایی به نام ساختارهای حاکمیت دارد فرومی ریزد. کما این که در اول انقلاب این ساختارها اینجوری نبود. اگر جهاد بود جهاد سازندگی بود، با این ساختار نبود. نه این که الآن یک وزارت خانه جهاد کشاورزی... امداد مردم به یکدیگر بود، کمیته امداد با این ساختار، با ۲۴ هزار پرسنل نبود. نکته این است. الآن اعتمادها... ببینید شما الآن خودتان حاضرید، فکر کنید بنده قاسمیان از شما پول جمع بکنم بپریم یک جایی هزینه بکنم. شما به من حاضرید پول بدهید یا به کمیته امداد؟ الآن چیزی که کاملاً دارد دیده می شود نقش... خود کمیته امداد هم این را متوجه شده است. ببینید در کمیته امداد به این رسیدند که آقا من بیایم ایتم را بسپریم، این پول را مستقیماً این بریزد به ایتم. ببینید خود کمیته امداد به این جمع بندی رسیده که آقا این ها... اصلاً ساختار زدایی می شود به این صورت. ببینید الآن اسنپ و تپسی و این ها مگر نیامدند ساختار زدایی کردند در نظام تاکسیرانی؟ ساختار زدایی کردند، به یک ساختار مینی مالیستی یک اپلیکیشن. به صورتی که مشتری... می خواهم صرفاً ذهنانتان را عادت بدهم به این که یکپوئی ممکن است چه جوری ساختار بریزد؟ رابطه امت بشود با امامت؟ و آن موقع حلقه های میانی... بله دیگر طرح محسنین همین است منتهی دیگر نمی گوید بیا بریز به کمیته امداد. شما پول به کمیته امداد نمی ریزی. طرح محسنین پول می ریزی به حساب فقیر. نکته همین است. وگرنه اگر به او بگوئی تو کمیته امداد بریز من خودم می ریزم. هیچ کس نمی ریزد إلا شد و نذر. یعنی خودش به این نتیجه رسیده که اعتماد به ساختارها از بین رفته. این قدم اول فروپاشی ساختارهاست. الآن کافی است شما بر اساس...

ساختار امت، حلقه میانی، امام

بله می شود یک ساختار امت، حلقه میانی، امام، این می شود یک ساختار نو. ببینید مگر فرض بفرمایید در گذشته، در حوزه ها مدرک نمی دادند؟ چی می دادند؟ یک نفر مستقیم وصل می شد به یک فاضل ارجمندی که آن هم در یک ساختار همینجوری آمده بوده بالا. یعنی کسی به کسی مدرک سطح چهار نمی داده که. برای یکدیگر وجیزه هایی می نوشتند. این یک نوع از ساختار است که آدم ها دور انسان های مبرز جمع می شوند، آن ها هم با تقوی هستند، بر اساس تقوایی که دارند یک چیزهایی می نویسند. می نویسند آقا ایشان فاضل ارجمند است. و بعدش هم الکی تعریف چیزی نمی کنند. من گفتم آقای جاودان برای من یک commendation نوشته بودند چی بود؟ آقای جاودان همان اوایل برای تأسیس مشکات و این ها یک recommend

می‌خواستند. من رفتم خدمت آقای جاودان و خب خودم هم رویم نمی‌شد و رویم هم نمی‌شود اصلاً که مثلاً به آقای جاودان بگویم که حاج آقا یک recommend برای من بنویسید. به این آقای حداد گفتم و رفت و recommend که آورد دیدم همچین خیلی هم چیز نبود نوشته بود مثلاً ایشان فرد متعهد و فاضلی است یک چنین چیزی. بعد گفتم مثلاً مطلبی شده حاج آقا اینجوری نوشته و این‌ها؟ گفت چی نوشته؟ گفتم نوشته مومن و فاضل و مثلاً اینجوری است. گفت خیلی خوب نوشته بابا، یک نفر دیگر از این آخوندها آمده بود از این recommendها از حاج آقا بگیرد نوشته بودند ایشان ظاهراً مسلمان است! ههههه ظاهراً!

ببینید این‌ها در یک آدم‌های با سواد با تقوی می‌آمدند در همین جاها عملاً مدارک تحصیلی می‌گرفتند. دقت می‌کنید؟ این آن رابطه‌ای است که پیدا می‌شود با مرجعیت و خب الآن مراجع واقعاً مراجعند؟ نه! این‌ها کارهای هستند؟ نه! ولی وقتی که می‌بینید در ساختار عوض می‌شود و مردمی می‌شود ساختار. امت امامتی می‌شود. آن موقع آن جاها برگ برنده دست کسانی است که تشکیلات‌های ایدئولوژیک را می‌توانند جلو ببرند.

بابا همین الآن می‌گویم شما می‌گویید در اشل حاکمیت برای ۸ میلیارد این سخت است، الآن با اپلیکیشن دارند این کارها را می‌کنند. شما ببینید یکهو «یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السماوات» یکهویی زمین و آسمان یک جور دیگر می‌شود. در زمان ظهور هم همینجوری است. پیشا ظهور هم همینجوری است. شما می‌بینید الآن طرف با صدایش دارند تقلید می‌کنند. اصلاً یک مدل دیگر می‌شود عالم. شما فکر نکنید با همان ساختارهای حلوا چوبکی با آن مثلاً می‌خواهند ۸ میلیارد را اداره بکنند. یکهویی می‌بینید یک شرایط جدیدی می‌آید. من در درس‌های معرفه المهدی گفته‌ام که این چیزی که ما در روایاتمان داریم که می‌بینند امام را مستقیم، بدون واسطه، بدون گوشه، این‌ها خودش یک مطلبی است. خب شما فکر کن مثلاً هر کسی ببیند امام هم در شأن «لا یشغله شأن عن شأن» قرار بگیرد. امام در این شأن قرار بگیرد که «لا یشغله شأن عن شأن». فرض بکنید امام مثل حالتی که... دارم صرفاً مثال می‌زنم برای این که... الآن ملک الموت حضرت ازرائیل می‌تواند جان ۱۰ نفر را در ۱۰ جای عالم همزمان بگیرد؟ می‌تواند دیگر. چه جوری می‌تواند؟ چه جوری این کار را می‌کند؟ به خاطر این که یک نوع تفوقی دارد. آن تفوق ایجاد... این اقتدار را دارد که نسبتش با عالم پایین‌تر در حقیقت اینجوری بشود که زمان و مکان ندارد دیگر. در زمان این کار را نمی‌کند. درست است به زمان ارتباط دارد. دور و نزدیک هم نیست مثلاً حضرت ازرائیل اینجوری نیست که به کسی نزدیک است از کسی دور است. امام در چنین شأنی قرار می‌گیرد. به کسی نزدیک و دور نیست. یعنی هرکسی هر جایی بخواهد امام را می‌بیند. و آن موقع حلقه‌های میانی، این‌ها دارند دستور می‌گیرند از امام در همه جای دنیا. که من این را هم توضیح دادم که این‌ها دارند دستور می‌گیرند. مستقیماً هم دستور می‌گیرند. آن موقع می‌بینید که رابطه امام، حلقه میانی، امت برقرار می‌شود. اصلاً در این صورت ساختارهایی که شما امروز می‌بینید همه‌اش می‌شود کالشلغم. یعنی ساختارهایی که... مثل این که الآن یک اپلیکیشن می‌آید و کل نظام تاکسیرانی ما را می‌کند کالشلغم این اتفاق می‌افتد. یکهویی با یک تبدیل وضعیت این اتفاق می‌افتد. برگه برنده یکهویی دست کسانی است که اجتماعات ایدئولوژیک دستشان است. یعنی حلقه‌های میانی دستشان است. و الآن کار کردن روی ساختارها و ساختارها را باد کردن این دست فرمان ظهور را نداستن است. فکرمی‌کنیم الآن باید بنشینیم ساختارها... الآن من نمی‌گویم انتخابات ریاست جمهوری مهم نیست، مجلس مهم نیست. ولی اینجوری هم که فکرمی‌کنید مهم نیست. که وای مثل پزشک‌ها آمد. الان دیگر ما نمی‌دانم بله، اگر آن‌ها آن موقع بود که ما نمی‌دانم فلان می‌شدیم. این دست فرمان مال آخر الزمان نیست.

- چرا حتماً باید بگذارد دیگر. ارتباط دارد. یک ضلع حلقه میانی ارتباط دارد... میانی است دیگر.

خلاصه منظوم این نبود که این‌ها را استخلاف می‌کنیم، استبدال می‌کنیم...

- چرا می‌تواند یکی از معیارها باشد. بالاخره ما با درکی که داریم پیشاهنگ خودمان را یک چنین آدم‌هایی گذاشته‌ایم. به چنین آدم‌هایی رأی داده‌ایم. بالاخره این که این ملاک هست. ولی فکر بکنید چون این‌ها رأی آوردند و فلان دیگر آخرالزمان شده الآن، نه خیر. آن چیزی که در بحث استبدال و استخلاف هست خیلی وقت‌ها مرتبط باشد با حلقه‌های میانی. آن‌ها دارند کارشان را انجام می‌دهند یا نمی‌دهند.

این آیه را هم ببینیم و دیگر عرضم تمام. صفحه ۲۵۸ سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۹. باز دوباره این است که «ألم تر أن الله خلق السماوات والأرض بالحق إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد و ما ذلك على الله بعزيز. این که شما را می‌آوریم خلق جدیدی را می‌بریم، خلق جدیدی می‌آوریم» «و ما ذلك على الله بعزيز» برای خدا هم یک چنین چیزی سخت نیست. حالا بعداً صفحه ۵۸۰ که حالا دیگر وقت تمام شد سوره مبارکه انسان آیه ۲۸ را هم ببینید. «نحن خلقناهم و شددنا أسرهم» آن آیات را هم ببینید. این هم باز دوباره همین بحثی است که عرض کردیم.

خب سوره مبارکه محمد به پایان رسید با تهدیدی بر استخلاف و استبدال اقوام. که اگر وارد فضای جنگ نشوید می‌گویند خاک بر سرت کنند بیا برو کنار و این موقعیت را از دست تو خواهند گرفت.